

۱. آشفتمگی، روح و روان

در چنین بستری، فشار اقتصادی و ابهام نسبت به آینده، میل به راه‌حل‌های فوری و ساده را تقویت می‌کند. روان‌شناس اجتماعی توضیح می‌دهد وقتی احساس «اعمالیت» کاهش می‌یابد، گرایش به تکیه بر عوامل بیرونی افزایش پیدا می‌کند. این گرایش الزاماً از سر بدخواهی نیست؛ اغلب محصول خستگی مزمن است. ما جامعه‌ای که امید تغییر را کاملاً بیرونی تعریف کند، سرمایه روانی خود را تضعیف می‌کند.

۲. دو تیغه فشار

تجربه برخی کشورها در دهه‌های اخیر نشان داده است تغییرات پر هزینه و ناگهانی، به‌ویژه زمانی که بای‌ثباتی گسترده همراه شوند، پیامدهای طولانی‌مدت به جا می‌گذارد. تخریب زیرساخت‌ها، مهاجرت گسترده نیروی انسانی، افت سرمایه‌گذاری و گسترش اقتصاد غیررسمی از جمله پیامدهای رایج چنین وضعیتی هستند.

مطالعات بین‌المللی درباره جوامع درگیر جنگ نشان می‌دهد نرخ افسردگی، اضطراب و اختلال استرس پس از سانحه در این کشورها چند برابر میانگین جهانی است. برخی متاآنالیزها افزایش شیوع افسردگی تا حدود ۲۹ درصد، اضطراب تا ۳۰ درصد و PTSD تا ۲۳ درصد را گزارش کرده‌اند. آثار این آسیب‌ها اغلب به سال‌ها بعد از وقوع جنگ منتقل می‌شود.

صفحه ۵



 **ሂኦሳዮ**

☎ * 1 * 7 3 6 #